



An Approach to the Jurisprudential Foundations of Hybrid Jihad for Countering the Enemy's Hybrid Warfare

Mahmoud Pakizeh

Assistant Professor, National Defense University, Tehran, Iran

Email: m.pakize@sndu.ac.ir

Abstract

Hybrid warfare encompasses multiple dimensions, including cognitive warfare and the alteration of the perceptual calculations of officials and combatants; intelligence and espionage; security and the creation of insecurity; political tensions and sedition; cultural attacks on the foundations of the family; economic disruption of the financial structure; social unrest and the creation of disorder; and military dimensions involving a broad-scale strategic offensive assault. In such warfare, the enemy simultaneously employs all arenas of conflict to strike the targeted front. Hybrid jihad, by contrast, is a strategic defensive form of jihad that takes into account the different dimensions of the enemy's offensive actions. Through enlightenment based on religious principles and the teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), as well as by creating synergy and solidarity among the people and engaging in comprehensive jihad, hybrid jihad leads to victory in the battle of truth. The present study is developmental in nature, meaning that this paper contributes to expanding the meaning of hybrid jihad and to deepening reflection on the issue of countering the enemy's hybrid warfare. The study employs qualitative and descriptive content analysis using an inferential-ijtihadi approach, and the data were collected from articles and books related to jurisprudence and concerning the jurisprudential foundations of hybrid jihad. The findings indicate that hybrid jihad is a revolutionary and resistance-oriented strategy founded on the jurisprudential principles of negating the domination of non-Muslims and repelling enemy domination, the obligation of jihad and defense of religious and national values, and the obligation to preserve the political system and assist the religious government in establishing justice. Moreover, based on the principle of preserving the political system, jurisprudence permits investigating members of one's own forces, entering the privacy of others, conducting espionage against the enemy, and reporting to senior authorities in order to obtain information about the enemy's situation and to shape infiltration operations and hybrid jihad as a means of countering hybrid warfare.

Keywords: Hybrid Jihad, Hybrid Warfare, Foundations, Jurisprudence, Negation of Domination, Jihad, Investigation





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی

سال پانزدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۴، صص. ۲۴۱-۲۶۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

مقاله پژوهشی

رویکردی به مبانی فقهی جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن

محمود پاکیزه

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: m.pakize@sndu.ac.ir

چکیده

جنگ ترکیبی با ابعاد متعدد شناختی و تغییر محاسبات ادراکی مسئولان و مجاهدان، اطلاعاتی و جاسوسی، امنیتی و ایجاد ناامنی، سیاسی تنش و فتنه، فرهنگی و هجمه به بنیادهای خانواده، اقتصادی و به هم ریختن ساختار مالی، اجتماعی و ایجاد آشوب و نظامی و هجوم گسترده راهبردی تهاجمی است که در آن، دشمن از همه عرصه‌های نبرد به طور هم‌زمان استفاده می‌کند تا به جبهه مورد هدف ضربه بزند و جهاد ترکیبی راهبردی دفاعی است که در آن به ابعاد متفاوت تهاجمی دشمن توجه شده است؛ جهاد ترکیبی با روشنگری بر اساس مبانی دینی و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و با ایجاد هم‌افزایی و هم‌دلی در میان مردم و جهاد همه‌جانبه به پیروزی در نبرد حق می‌انجامد. نوع پژوهش حاضر توسعه‌ای است، بدین معنا که نوشتار حاضر در بسط معنای جهاد ترکیبی و در ژرف‌اندیشی به مسئله مقابله با جنگ ترکیبی دشمن مفید است. در این نوشتار، از تحلیل محتوای کیفی و توصیفی به روش استنباطی-اجتهادی استفاده شده و داده‌ها از مقالات و کتاب‌های مرتبط با فقه و در ارتباط با مبانی فقهی جهاد ترکیبی جمع‌آوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جهاد ترکیبی راهبردی انقلابی و مقاومتی است که بر مبانی فقهی نفی سبیل و دفع سلطه دشمن، وجوب جهاد و دفاع از ارزش‌های دینی و وطنی، وجوب حفظ نظام و یاری به حکومت دینی برای برپایی عدالت بنا شده است و نیز طبق مصلحت حفظ نظام، جواز تجسس از نیروهای خودی و ورود به حریم خصوصی دیگران و جاسوسی از دشمن و گزارش‌دهی به مقام ارشد برای اطلاع از وضعیت دشمن و شکل‌دهی عملیات نفوذی و جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ ترکیبی از دیدگاه فقهی صادر شده است.

کلیدواژه‌ها: جهاد ترکیبی، جنگ ترکیبی، مبانی، فقه، نفی سبیل، جهاد، تجسس

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی / فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی



<https://smsnds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8413



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

انقلاب اسلامی با ارائه الگوی جدیدی از حاکمیت دینی، سبب تغییر هندسه قدرت از دو بلوک شرق و غرب به دو جبهه واقعی حق و باطل، گردید. ابرقدرت‌های شرق و غرب با اجرای سلسله توطئه‌هایی در ابعاد مختلف و تحمیل جنگ همه‌جانبه به‌وسیله صدام علیه انقلاب اسلامی با شکست مواجه شدند.

پس از پایان دفاع مقدس، استکبار جهانی به رهبری آمریکا، تقابل با انقلاب اسلامی را در سایر عرصه‌های مختلف جنگ نیمه‌سخت و نرم همچون تهاجم و شبیخون فرهنگی، تحریم اقتصادی، فتنه‌های امنیتی-سیاسی و ... دنبال کرد تا در مسیر تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی موانع و چالش‌های جدی ایجاد کند؛ اما نتوانست به موفقیت چشمگیری دست یابد. در ادامه مخاصمات قبلی، جنگ ترکیبی پیچیده هوشمندی طراحی و اجرا نموده است. برای مقابله همه‌جانبه با جنگ ترکیبی دشمن بایستی جهاد ترکیبی انجام شود که این مقاله به تبیین مبانی فقهی آن پرداخته است.

بیان مسئله: در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن، جهاد ترکیبی لازم است که مجاهدان با استفاده بهینه از منابع و قدرت‌های موجود جامعه به خنثی‌سازی حملات چندجانبه دشمن پردازند، رویکردی جامع و چندزمینه‌ای که از فناوری‌های نظامی، ارتباطات پیشرفته، تجهیزات دفاعی، منابع اقتصادی و توانمندی‌های فرهنگی در کنار هم بهره می‌گیرد تا به راهبرد مقاومت جمعی در برابر جنگ ترکیبی سامان دهد.

برای شکل‌دهی به جهاد ترکیبی، از آنجاکه کلیدواژه‌ای بدیع است، نیاز است که پایه‌های بحث و مبانی آن به‌درستی چیده شود و تبیین گردد. نوشتار حاضر - که پژوهشی اجتهادی، استنباطی و توسعه‌ای است - این مسئولیت را در حد توان خویش بر عهده گرفته است و درواقع، پاسخ‌گوی این سؤال پژوهشی است که «مبانی فقهی جهاد ترکیبی کدام‌اند و این مبانی چگونه در سامان‌دهی راهبردهای جهاد ترکیبی مؤثرند؟»

اهمیت و ضرورت: اهمیت انجام این پژوهش در موارد زیر است:

۱. آگاهی مسئولان دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی نسبت به گستره اقدامات مقابله‌ای در برابر



جنگ ترکیبی دشمن؛

۲. تقویت روحیه و عزم مدافعان امنیتی و دفاعی در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن.

ضرورت: ضرورت انجام این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. عدم آگاهی مسئولان دفاعی و امنیتی از محتوای معرفتی این پژوهش ممکن است خلأ

معرفتی نسبت به ابعاد مختلف جهاد ترکیبی به‌ویژه مبانی فقهی جهاد ترکیبی را به

دنبال داشته باشد

۲. خلأ معرفتی نسبت به مبانی و مؤلفه‌های جهاد ترکیبی می‌تواند انفعال ذی‌نفعان دفاعی

و امنیتی را به دنبال داشته باشد.

اهداف اصلی و فرعی: هدف اصلی: تبیین مبانی فقهی جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ

ترکیبی دشمن و اهداف فرعی عبارت‌اند از: تبیین شاخص‌های جنگ ترکیبی، تبیین مبانی و

مؤلفه‌های جهاد ترکیبی و تبیین چگونگی بهره‌گیری از توانمندی‌های فرهنگی در جهاد

ترکیبی. سؤال اصلی: مبانی فقهی جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن چیست؟

و سؤالات فرعی عبارت‌اند از: شاخص‌های جنگ ترکیبی چیست؟؛ مبانی و مؤلفه‌های جهاد

ترکیبی چیست؟ چگونه از توانمندی‌های فرهنگی در جهاد ترکیبی بهره‌گیری می‌شود؟

۱. پیشینه پژوهش

به‌دلیل این‌که مبحث جهاد ترکیبی در قبال جنگ ترکیبی و با رویکرد فقهی از مباحث نو و

جدید است، تحقیقات و پژوهشی با این رویکرد انجام نشده است. بنابراین نگارنده برای

موضوع مقابله با جنگ ترکیبی به موضوع «جهاد ترکیبی» براساس «مبانی فقهی» پرداخته

است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. جنگ ترکیبی

جنگی پیچیده و دانش‌بنیان که با به‌کارگیری هوشمندانه و یکپارچه همه مؤلفه‌های قدرت و

ابزارهای تهاجمی متعارف و غیرمتعارف به‌ویژه توان شناختی به‌صورت هم‌افزا و هم‌زمان در ابعاد مختلف حکمروایی برای شکستن مقاومت و تسلیم حریف است.

۲-۲. جهاد ترکیبی

جهادی همه‌جانبه و براساس ارزش‌های الهی و دینی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن است که با ترکیبی هماهنگ از تمام ابزارهای نظامی، دیپلماسی مناسب، اقتصاد پویا، فناوری‌های پیشرفته، فضای مجازی و رسانه، و معنویت در تلاش است تا بر دشمن برتری یابد.

۲-۳. مبانی

مراد از مبانی گزاره‌هایی کلی از جنس «هست و نیست» است که ریشه و اساس همه فعالیت‌های پسینی و باید‌ها و نبایدها قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، مراد از مبانی فقهی گزاره‌هایی است که پایه و اساس بحث باشند و پرده از چگونگی اعمال قواعد فقهی بردارند. و مراد از قواعد فقهی این است: «آن‌ها قواعد تقعی فی طریق استفاده الاحکام الشرعیة الالهیه و لایکون ذلک من باب الاستنباط و التوسیط بل من باب التطبيق؛ [قواعد فقهی] قواعدی است که برای به دست آوردن احکام شرعی الهی از آن‌ها استفاده می‌شود و [این نحوه استفاده] از باب استنباط و واسطه قرار دادن برای حکم نیست [مانند قواعد اصولی]، بلکه این استفاده از باب تطبیق بر مصادیق است.» (فیاض، ۱۴۱۹ ق: ۱۱)؛ (بجنوردی، ۱۴۱۳ ق، مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ ق: ۵۴۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷ ق: ۸؛ ایروانی، ۱۳۸۷: ۱۲)، چنان‌که بر مبنای نفی سبیل که ریشه قرآنی و روایی دارد قاعده نفی سبیل در فقه تعبیه شده است.

۲-۴. فقه

«فقه»، در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است (جوهری و همکاران، ۱۴۱۴ ق: ۴۷۹)، چنان‌که ابن‌منظور می‌نویسد: «الفقه: العلم بالشیء و الفهم له و غلب علی علم الدین لسیادته و شرفه علی سایر انواع العلم و رجل فقیه: عالم و کل عالم بشیء فهو فقیه» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴



ق: ۵۲۲-۵۲۳)؛ و به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده (مجلس الاعلی للقاہرہ، ۱۳۸۶ ق: ۹). برخی آن را به پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۴۲) و شرتوتی فقه را به معنای غلبه علم و فهم و ادراک نسبت به چیزی دانسته است (الخوری الشرتوتی، ۱۸۸۹ م: ۹۳۸). بدین سبب است که فقیه را به معنای دوام صفت «فهم و درک» در صاحب خود گرفته‌اند، چنان‌که راغب ذیل این واژه می‌نویسد: «تفقه إذا طلبه فتخصص» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۴۳).

این واژه در فرهنگ قرآنی به معنای تدبّر، تعمّق و فهم عمیق به‌کاررفته است. (نساء: ۷۸؛ منافقون: ۳ و ۷؛ انعام: ۶۵ و ۶۸؛ اسراء: ۴۴ و ۴۶؛ طه: ۲۸، توبه: ۱۲۲) و نیز در روایت از امام صادق (علیه‌السلام) به همین معنا آمده است: «إِذَا ارَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ فَقَهَهُ فِي الدِّينِ؛ هرگاه خداوند خیر و سعادت بنده‌ای را بخواهد او را در دین، بصیر و آگاه می‌گرداند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۲) بدین ترتیب، فقه در لسان آیات و روایات مفهومی گسترده دارد که عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد، ولی به تدریج، در اصطلاح علما، به‌ویژه در اصطلاح فقها، تنها به «فقه الاحکام» اختصاص یافته است. امروزه، از کلمه «فقه» تنها مسائل عملی اسلام از واجب و حرام و مانند آن‌ها متبادر است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۶۵)

پس، در تعریف «فقه» - به معنای خاص - گفته‌اند: «الْفَقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرَعِيَّةِ عَنْ ادِّلَتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ؛ فقه عبارت از علم به احکام فرعی شریعت از روی منابع و دلایل تفصیلی آن است» (العاملی، بی‌تا، ج ۱: ۹۰).

۲-۵. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش «قواعد و مبانی فقهی ناظر به جهاد و مقابله با دشمنان» است. مبانی فقهی جهاد ترکیبی گزاره‌های کلی‌اند از جنس «هست و نیست» که ریشه‌ها و پایه‌های فقهی جهاد ترکیبی را بیان می‌دارند؛ این مبانی از وجوب جهاد تا وجوب حفظ نظام اسلامی و نفی سلطه استکبار و ... هستند. بنابر مصلحت حفظ نظام، احکام ثانویه‌ای برای مجاهد

فی سبیل الله وجود دارد از جواز تجسس، جواز غیبت و جواز ورود به حریم خصوصی که برای نمونه مورد بحث این نوشتار است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش اجتهادی استنباطی براساس قواعد و مبانی ارائه شده در کتب فقهی و اظهارات خبرگان حوزه مربوطه استفاده شده است.

۴. مبانی فقهی جهاد ترکیبی

۴-۱. نفی سبیل

این مبنا به این آیه شریفه قرآن مستند است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (نساء: ۱۴۱)

همان کسان که [از سر بدخواهی] چشم به شما دارند، پس، اگر شما را پیروزی و گشایشی از جانب خدا باشد، گویند: «مگر ما با شما نبودیم» و اگر کافران را بهره‌ای باشد، [به آن‌ها] گویند: «آیا بر شما آگاهی نیافتیم و شما را از [گزند] مؤمنان بازداشتیم.» پس، خداوند روز رستاخیز میان شما داوری خواهد کرد و خدا هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است.

مراد از نفی در مبنای نفی سبیل تنها نفی به معنای طرد و راندن نیست، بلکه مراد از نفی در قاعده نفی سبیل مسدود بودن و بستن است. (سیمایی صراف، ۱۳۷۹: ۲۵) و مراد از سبیل به معنای ساده «راه» (الشرتوتی، ۱۸۸۹: ۴۹۲؛ جوهری، بی‌تا: ۱۷۲۳) نیست بلکه مراد از سبیل در مبنای نفی سبیل عبارت است از: تسلیط، غلبه و حجت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲؛ ابن‌الجوزی، ۱۹۸۳ م: ۲۰۹). از آنجاکه مراد از جعل در این آیه جعل تشریعی است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸)، ترجمه ظاهر آیه چنین می‌شود: «حيث إن الظاهر من الآية أن المراد منها أنه تعالى لم



يجعل و لن يجعل بالجعل التشريعي حكماً موجباً لتحقيق السبيل و السلطه للكافر على المؤمن» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۴۰).

در تفسیر آمده است: به هیچ وجه در هیچ زمانی کافر بر مؤمن مسلط و چیره نخواهد شد، چه در دنیا و چه در آخرت، چه از جهت غلبه احکام تشریع و چه از جهت غلبه ظاهری، زیرا خداوند مؤمنان را به همه انواع حجت‌های آفاقی و انفسی مجهز کرده است. پس، تا زمانی که واقعاً مؤمن هستند به هیچ وجه مقهور کفار نخواهند شد، چنان که در آیه‌ای دیگر فرموده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)؛ و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!». پس، اگر کفار در برهه‌ای از زمان چیره شدند، باید دلیل آن را در سست شدن ایمان و نزاع آنان بر سر متاع دنیا دانست. و نیز باید دانست که کشته شدن انبیا و صلحا و امامان معصوم (علیهم السلام) و دیگر شهدای اسلام به دست کفار به معنای تسلط و غلبه آنها نیست، بلکه قاتل مغلوب است که ظلم روا داشته است، زیرا وی فقط بدن خاکی را از بین برده است ولی روح این شهدا غالب است که به درجات رفیع شهادت رسیده‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق: ۳۹۲-۳۹۴)

و نیز می‌تواند روایت «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفْرُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونُ؛ اسلام [نسبت به سایر مکاتب و ملل] همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد، و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.» (ابن بابویه [شیخ صدوق]، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴) مستند این مبنا باشد. این احتمال که فراز دوم از این روایت تفسیر شیخ صدوق بر فراز اول روایت باشد وجود دارد و شاید از این روست که شیخ حر عاملی در باب موانع ارث این روایت را بدون ذیل آن نقل کرده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴) بدین ترتیب، صدر روایت تنها خبر از برتری اسلام در آینده نیست بلکه، به قرینه ذیل روایت و با توضیحی که عرض شد، برای جعل تشریعی است. پس، این روایت در پی بیان این حکم است که احکام شرعی اعم از عبادات و معاملات و سیاست نمی‌تواند موجب علو کافر بر مسلم باشد. بنابراین، بجنوردی این تفسیر را این گونه آورده است: «والظاهر من هذا الحديث الشريف بقرینه ظاهر الحال انه في مقام التشریع و ان الاسلام

يكون موجِباً لعلو المسلم على غيره فى مقام تشريع احكامه و بالنسبه الى تلك الأحكام.» (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۹۰). همچنین اگر عزت به معنای «تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸) باشد، تمام آیاتی که به عزت مسلمین تصریح یا اشاره دارد (برای نمونه: منافقون: ۸؛ محمد: ۳۵؛ نساء: ۱۳۹؛ ممتحنه: ۱)، می‌توانند اساس قاعده نفی سبیل باشند.

مجاهد فی سبیل الله بر مبنای نفی سبیل بر این باور است: در دین اسلام، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد تشریع نشده است و در نفی سبیل، تفاوتی بین نفوذ و سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیست. پس، برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن چاره‌ای جز جهاد ترکیبی و مقابله با نفوذ و سلطه دشمن از هر جهت نیست.

۴-۲. وجوب جهاد

این مبنا به این آیه شریفه قرآن مستند است:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. (حج: ۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است، چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آن‌ها تواناست.

جهاد، در لغت، به معنای تحمّل مشقّت و نهایت تلاش و مبارزه برای دفع دشمن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۰۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۳۵) و نیز این واژه به معنای قتال (فراهیدی، ۱۴۱۹ ق: ۲۶۹) و جنگ با دشمن (فیروزآبادی، بی‌تا: ۳۰۴؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ ق: ۱۵۵) آمده است. در اصطلاح فقهی، جهاد برای ایثار جان، مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپایی شعائر دین به‌کاررفته است (نجفی، ۱۳۶۲: ۳). بنابر نظر تفسیری، واژه جهاد بیشتر به جهاد دفاعی در مقابل دشمن استعمال می‌شود و گاهی مجازاً شامل دفع هر شرّی مانند دفع شیطان و نفس اماره نیز می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۴۱۱) و نیز جهاد مقید به قید فی سبیل الله است تا کسی خیال نکند این تکلیف مهم شرعی برای گسترش مرزهای دنیوی است. ((طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۲۸۴) به نظر می‌رسد جهاد مفهومی دینی است که برای اعتلای کلمه



الله و برای دفع ظلم و حمایت از مظلوم و برقراری عدالت است و با مفهوم جنگ و حرب که به انگیزه‌های دنیوی رخ می‌دهد متفاوت است. (القرضاوی، ۱۴۳۱ ق: ۵۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۶۱)، چنان‌که در آیه فوق، سبب جهاد و قتال ظلمی دانسته شده که دشمن بر پیکره مسلمین وارد کرده است.

بیان وجوب جهاد در برابر کسانی که به مسلمانان هجوم آورده‌اند، افزون بر این‌که خود وجوب عقلی (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۳۸۵) و شرعی (ر.ک. بقره: ۱۹۰؛ حج: ۳۹؛ نساء: ۷۵) دارد، طبق مبنای نفی سبیل نیز ممکن است. بنابر دیدگاه فقها، جهاد دفاعی از مسلمانانی که فریاد مظلومیت آن‌ها بلند است بر همگان واجب است. (العاملی، ۱۳۸۳: ۸؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

مجاهد فی سبیل الله بر مبنای وجوب جهاد بر خود فرض می‌داند که از مسلمانان تحت ظلم، مثل مردم غزه، دفاع کند و در این جهاد، چنان‌که دشمن از جنگ ترکیبی بهره می‌برد، با شناخت کامل از مواضع و موقعیت دشمن، امکانات و فناوری‌ها، و راهبردها و تاکتیک‌های دشمن به جهاد ترکیبی دست بزنند.

۳-۴. وجوب حفظ نظام

طبق این مبنا حفظ نظام اسلامی واجب است و اندیشه‌ورزان و رهبران دینی به ممنوعیت هرآنچه سبب اختلال نظام می‌شود حکم کرده و به هرآنچه برای حفظ نظام ضروری است دستور داده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۱۲). بنابراین، فقها تعرض به بعضی حقوق را چنانچه حفظ نظام وابسته به آن باشد جایز می‌دانند، چنان‌که امام خمینی^(ره) می‌فرماید: «اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. ... حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است» (موسوی خمینی [امام]، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

براین اساس، مجاهد فی سبیل الله بر این باور است: جهاد ترکیبی به هر نحوی که در حفظ نظام دخیل است جایز است. برای نمونه، نفوذ و هک کردن پایگاه‌های مجازی دشمن، رصد اطلاعاتی با پهپاد، ایجاد فضای مناسب برای جنگ نرم و عملیات روانی، و جاسوسی از امکانات و تجهیزات دشمن جزء راهبردهای جهاد ترکیبی قرار می‌گیرد. در ادامه به دو مورد از مواردی که بر مبنای حفظ نظام جواز فقهی گرفته است پرداخته می‌شود.

جواز تجسس:

راهبرد جاسوسی از دشمن در جهاد ترکیبی بر مبنای وجوب حفظ نظام از دیدگاه فقهی تکیه زده است. به دلیل اهمیت بحث از جاسوسی و برای تعیین محدوده جواز تجسس از دیدگاه فقهی به این مقوله در این بخش از مقاله به تفصیل پرداخته می‌شود.

تجسس، از ریشه «جس، یجس»، به معنای حس کردن با دست برای شناسایی چیزی، و کنجکاوی در احوال و افعال پنهانی و مخفی دیگران و شناسایی پنهان و ظریف آن‌ها و جست‌وجوی از درون امور آمده است (محقق، ۱۳۶۴: ۸۶-۸۷).

ابوعبیده تحسّس و تجسس را به یک معنا گرفته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۵) اما دیگران این دو را متفاوت دانسته‌اند، بدین بیان که کسب اطلاعات از لغزش‌های مؤمنان تجسس و مورد نهی (حجرات: ۱۲) است و تفحص اطلاعات برای خیر تجسس و جایز (یوسف: ۸۷) است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق: ۳۲۳).

از کسی که تجسس می‌کند به تعابیر مختلفی یاد شده است: أ. جاسوس، بر وزن فاعول، کسی است که در اوضاع و احوال پنهانی مردم کنجکاوی کرده، به تجسس از اخبار می‌پردازد. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ه. ق: ۳۸) ب. یکی از معانی «عین» جاسوس است، یا به این سبب که عمل جاسوسی با چشم انجام می‌پذیرد یا به دلیل اهمیت نگاه کردن و رؤیت (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۸۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۸۴؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۴۴۰).

سمّاع، صیغه مبالغه از «سمع»، به معنای بسیار گوش‌گیر و گوش‌فرادهنده، جاسوس و خبرجو است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۲۳-۳۲۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۴۶) که در این آیه آمده است: «وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لَقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ...» (مائده: ۴۱-۴۲)؛



بسیار گوش گیر و گوش فراده‌اند برای این که بشنوند و درباره تو دروغ گویند و گوش گیر و جاسوس‌اند برای قوم دیگر که پیش تو نیامده‌اند [و می‌خواهند کلام تو را به آن‌ها برسانند].»

با توجه به معانی فوق برای جاسوس می‌توان به این نتیجه رسید که مورد نهی شده از تجسس به عبارت «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) مرتبط با معنای اول است؛ فراز «وَلَا تَجَسَّسُوا» بدین معنا است: از عیوب مردم تتبع و جست‌وجو نکنید تا اموری که پوشیده ماندن آن‌ها را خوش می‌دارند، آشکار نشود. (مقدس اردبیلی، بی تا: ۴۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۲۴) یکی دیگر از آیاتی که بر حرمت تجسس در این معنا دلالت دارد و آن را قید می‌زند این است: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید.»، اما آنجا که طبق مبنای حفظ نظام به تجسس در احوال دشمن است (معنای دوم) مورد نهی نیست بلکه در جهاد ترکیبی، این حربه در مقابله با نفوذ و تجسس دشمن است (معنای سوم) واجب است.

مجاهد فی سبیل الله، اولاً، بایستی در ارتباطش با بیگانگان و در حفظ اطلاعات و رازداری اهتمام داشته باشد تا مانع نفوذ و جاسوسی دشمن شود. بدین سبب است که خداوند متعال می‌فرماید:

«لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ». (آل عمران: ۲۸)

مؤمنان به هیچ بهانه‌ای نباید کفار را ولی و سرپرست خود بگیرند با این که در بین خود کسانی را دارند که سرپرست شوند، و هرکس چنین کند دیگر نزد خدا هیچ حرمتی ندارد، مگر این که از در تقیه، سرپرستی کفار را قبول کرده باشند، و فراموش نکنند که در بین کسانی که ترس آورند خدا نیز هست و بازگشت همه به سوی خدا است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ». (آل عمران: ۲۸)

۱۱۸). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دوست و محرم رازی از غیر خود مگیرید که غیر شما لحظه‌ای از رساندن شر به شما نمی‌آسایند؛ آن‌ها دوست می‌دارند شما را به ستوه آورند. دشمنی درونی و باطنی‌شان با شما از مطاوی کلماتشان پیدا است. و آنچه در دل دارند، بسی خطرناک‌تر از آن است. ما آیات را برایتان بیان می‌کنیم، اگر تعقل کنید

نمونه‌ای از تأکید بر رازداری در جهاد ترکیبی توصیه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سعد بن ابی وقاص آمده است، وقتی که وی را برای جاسوسی و تعیین تخمین تعداد دشمنان فرستاد که فرمود: «چون برگشتی، نزد هیچ‌یک از مسلمانان به من گزارش نده، مگر این‌که بگویی دشمن را اندک دیدم [و منتظر باش تا در خلوت حقیقت را به من بگویی]» (الواقدی، ۱۴۰۹ ق: ۲۰۷-۲۰۸) و نیز آن حضرت (ص) پیش از جنگ بدر، اصلی را ابداع کرد که تنها در ارتش‌های جدید رایج است و آن اصل «فرامین مهرشده» در سریه عبدالله بن جحش بود (بیهقی، ۱۴۰۳: ۱۲).

مجاهد فی سبیل‌الله، ثانیاً، سعی کند تا با کاربست ترفندهای حفاظتی به کسب اطلاعات از دشمن بپردازد و از وضعیت و موقعیت دشمن تجسس نماید و تنها برای مقرر فرماندهی با هدف تکمیل کالک عملیاتی گزارش آورد، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام (ص) حذیفه بن یمان را برای جاسوسی از جمع مشرکان قریش و هم‌پیمانان آنان در جریان جنگ احزاب به جمع دشمنان فرستاد (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۴: ۳۲۹) و چنان‌که امام حسین (ع) برادرش محمد حنفیه را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: «وَأَمَّا أَنْتَ يَا أَخِي فَلَا عَلَيْكَ أَنْ تُقِيمَ بِالْمَدِينَةِ فَتَكُونَ لِي عَيْنًا لَا تُخْفِي عَنِّي شَيْئًا مِنْ أُمُورِهِمْ؛ اما توای برادرم، لازم نیست مرا همراهی کنی بلکه در مدینه بمان و به‌عنوان چشم من باش و اوضاع مدینه را به اطلاع من برسان» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۷۸-۲۷۹).

جواز ورود به حریم خصوصی:

مراد از حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد که دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند، یا به آن قلمرو وارد نشوند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۸؛ اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۵۷)



ورود به حریم خصوصی بنابر منع تجسس از احوال دیگران در حال عادی ممنوع است، چنان‌که خداوند متعال دستور داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا...»؛ ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌های‌تان وارد نشوید، تا این‌که به‌درستی رخصت طلبید...» (نور: ۲۷-۲۹) و یکی از ادله روایی در لزوم رعایت حریم خصوصی نهی صریح نبوی از اطلاع‌یابی و حریم‌شکنی افراد در محل سکونت است. خانه یا مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند حتماً حریمی است که انتظار می‌رود دیگران هیچ‌گاه بدون اذن در آن وارد نشوند و از آن اطلاع‌یابی نکنند. (برای نمونه: مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۳۷) در برخی کتب روایی مبحثی تحت عنوان «النظر الی دار الغیر به‌غیر اذنه» وجود دارد (مامقانی، ۱۳۸۲: ۵۰۶) و نیز رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از استراق سمع که یکی از موارد ورود به حریم خصوصی است نهی فرمود: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يَصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هرکس که به مکالمات دیگران درحالی‌که راضی نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود (ابن‌خالد برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۶؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵: ۹۳) و براساس نهی صریح آیات و روایات، فقها به وجوب دفاع از حریم خصوصی فتوا داده‌اند. (موسوی خمینی [امام]، ۱۳۸۶: ۵۵۸-۵۵۹)

باین‌حال، مواردی در دست است که معصوم (علیه‌السلام) برای حفظ نظام خانواده یا سازمان جنگ یا حفظ نظام اسلامی دستور استراق سمع و جست‌وجو از حریم خصوصی داده شده یا بدان اقدام شده است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. کهنود، ۱۳۹۵) در ادامه، به مواردی از این دست محض نمونه اشاره شده است:

– برای حفظ خانواده: در خبر است که امام سجاد (علیه‌السلام) برای کشف حال یکی از زنان خود که متهم بود به این‌که از خوارج است و در غیاب آن‌حضرت از حضرت علی (علیه‌السلام) بدگویی می‌کند تجسس فرمود و گزارش‌دهنده را عتاب نکرد. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۵۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵۱) و در روایت است که موسی‌بن‌جعفر (علیه‌السلام) خود سخنان کنیزان و غلامان را مخفیانه گوش داد و چون به رابطه آن‌ها پی برد دستور داد که غلام‌ها را به شهری

و کنیزها را به شهر دیگر فرستادند [و فروختند] (حمیری قمی، بی‌تا: ۱۴۱).

- برای حفظ سازمان جنگ: نبی اکرم (ص) در جنگ تبوک از مردم درباره افرادی که در جنگ حاضر نشده بودند تحقیق می‌فرمود [که چه کسی آمده و چه کسی نیامده و اگر نیامده، چرا؟]. (عزیزان، ۱۳۹۳: ۷۸۵) پس، مسئول سازمان جنگ حق دارد از آمار آن‌ها که در مأموریتی حضور نداشتید بپرسد و سبب حاضر نشدن آنان را جویا شود.

- برای حفظ نظام: حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه، مالک اشتر را به استخدام جاسوس دستور می‌دهد تا کارگزارانش را زیر نظر بگیرد: «از افرادی که اهل صدق و امانت‌اند بر کارمندان خود ناظر و جاسوس قرار بده ... و اگر یکی از کارمندان خیانت یا فجوری مرتکب شد و گزارش‌های گزارشگران تو نیز در این مورد موافق با عملکرد او بود و بدگویی رعیت هم [در مورد این فرد] سخنان گزارشگران را تأیید کرد، همین مقدار در محکوم بودن او کافی است و گواه دیگری لازم نیست.» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۶۹)

مجاهد فی سبیل‌الله، بنابر مصلحت حفظ نظام اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را در حد ضرورت و طبق دستور می‌یابد اما هرگز فراموش نمی‌کند که در این زمینه، افراط و حریم‌شکنی نکند، به اموال و ناموس دیگران دست‌درازی ننماید و نیت خویش را در این اقدام خالص نماید. این مورد یکی از مصادیق اقدامات امنیتی است که می‌تواند یکی از وجوه و ابعاد جهاد ترکیبی تلقی گردد.

جواز غیبت:

غیبت، در لغت، اسم مصدر از «اِغْتَابَ، یَعْتَابُ» به معنای «حرف زدن پشت سر انسان به بدی یا آنچه اگر بشنود، او را به اندوه بیندازد» آمده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۶۵۶) تعریف مشهور غیبت عبارت است از: «یاد کردن برادر مؤمن است در غیابش به چیزی که از نسبت دادنش به قصد انتقاص و مذمت بدش می‌آید» (العاملی، ۱۳۹۰ ق: ۵).

هرچند مصداق بارز غیبت غیبت زبانی است و در نصوص نیز کلمه «ذکر» در تعریف غیبت آمده که منصرف به ذکر زبانی است؛ اما مراد واقعی از ذکر به زبان راندن نیست بلکه مراد از آن توجه دادن و یادآوری در مقابل اغفال است، خواه به کلام باشد، خواه خواه به



فعل، و خواه به اشاره. (انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۳۶۸) و یکی از مواردی که غیبت حساب می‌شود، هرچند در روایات به سبب مبتلا نبودن جامعه از آن یاد نشده است، غیبت با قلم است که مبتلابه آن روزنامه‌نگاران، سریع‌القلم‌ها و کسانی‌اند که در فضای مجازی با بارگذاری پست‌های هدفمند اندیشه‌های خود را القا می‌کنند.

توصیف حال غیبت‌کننده به کسی که گوشت برادر مرده‌اش را می‌خورد تنها تمثیل نیست بلکه واقعیتهایی است که خداوند آر آن خبر داده است و روایات نیز مؤید آنند. (حجرات: ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۴۰)

بالاین حال، جواز غیبت به سبب مصلحت بالاتر و به حکم ثانوی و برای حفظ نظام در مواردی مثل گزارش‌دهی اهمیت می‌یابد (دعموش عاملی، ۱۳۸۲: ۴۴).

مجاهد فی سبیل‌الله، در صورت کسب اطلاع خاصی درباره دشمن نفوذی یا نیروی خودی فریب‌خورده مراتب را به صورت گزارش کامل و صادقانه به فرماندهی بالادست ارائه می‌کند و از ذکر مواردی که در تهیه گزارش ضروری نیست پرهیز می‌نماید.

یکی از راهبردهای حضرت امام ^(ره) بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگ و دینی بوده است مانند محرم و صفر ایشان می‌فرماید:

اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی‌شد. همه در تحت بیرق امام حسین قیام کردند. الان هم می‌بینید که در جبهه‌ها وقتی که نشان می‌دهند آن‌ها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه‌ها را گرم نگه می‌دارند (صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۵۹).

حضرت امام ^(ره) به منظور بسترسازی حرکت عظیم جهان اسلام در برچیدن غده سرطانی رژیم اشغالگر قدس و برگرداندن سرزمین قدس به جهان اسلام در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ برابر با ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ طی پیامی به مسلمین ایران و جهان آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز قدس» اعلام می‌فرماید: «بسم الله الرحمن الرحيم من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است، و به‌ویژه در جنوب لبنان به قصد

نابودی مبارزان فلسطینی، پیایی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند (صحیفه امام: ۲۶۷) استفاده از ظرفیت متراکم اسلام در وحدت جامعه و تولید قدرت راهبرد دیگری است که از آن استفاده شد.

«من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز را با اتکای به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد»، (صحیفه امام: ۳۲۵).

مقام معظم رهبری حفظه الله نیز بر استفاده از قابلیت‌های درونی تأکید دارند: «... ما برای مسائل اقتصادی کشور همه تلاشمان بایستی متمرکز باشد بر روی مسائل داخلی؛ آن پیشرفتی، آن گشایشی ارزش دارد که متکی باشد به قدرت درونی یک ملت. یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی‌های خود متکی بود، دیگر از اخم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمی‌شود؛ این را باید ما حل کنیم. همه حرف ما با مسئولین - چه مسئولین گذشته، چه مسئولین امروز - همین است که باید برای گشایش مسائل کشور و مشکلات کشور، از جمله مشکلات اقتصادی، نگاه به درون باشد. ما در کشور ظرفیت‌های زیادی داریم؛ از ظرفیت‌های این ملت که عبارت است از، هم امکانات انسانی، هم امکانات طبیعی، هم امکانات جغرافیایی و موقعیت منطقه‌ای باید استفاده کرد» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی: ۱۳۹۲/۸/۱۲).

«من به شما عرض کنم، برای یک ملت اگر عزت سیاسی و اجتماعی مطرح است، اگر رفاه مادی و رفاه در زندگی مطرح است، اگر رسیدن به آرزوها و آرمان‌های بزرگ معنوی و دنیایی و آخرتی - هر دو - مطرح است، اگر دنبال علم است، اگر دنبال قدرت جهانی و



بین‌المللی است - و هرچه که این ملت به دنبال آن است - این در صورتی تأمین می‌شود که این ملت بتواند عناصر و حالاتی را در خود به وجود بیاورد. اول از همه هم ایمان است؛ ایمان به همان هدف و ایمان به همان راه ... یک عنصر دیگر، احساس مسئولیت است. این ایمان باید همراه با احساس مسئولیت شود؛ یعنی انسان وظیفه‌ای را متوجه به خود بداند؛ بداند وظیفه دارد. بدون احساس مسئولیت، این ایمان کارایی خود را از دست خواهد داد. این دو عنصر باید با شجاعت، رشادت، روحیه آمدن به میدان و توجه به قدرت درونی خود همراه شود. چون یکی از چیزهایی که هر مجموعه‌ای را، هر ملتی را، هر سپاهی را دچار انزهام می‌کند، غافل ماندن از قدرت خود است.

... این اقتدار و نفوذ معنوی و سیاسی‌ای که شما نمونه‌ها و نشانه‌هایش را امروز در فلسطین و در بسیاری از کشورهای غیراسلامی می‌بینید، سعی می‌شود در چشم خود ملت ایران - به‌خصوص در چشم نسل جوان - مورد اغفال و تغافل قرار گیرد و انکار شود. یعنی وانمود شود که ملت ایران، ملتی منزوی و کنار افتاده است؛ کسی هم به او توجه ندارد! این کار آن دشمن است. چرا؟ برای این که ملت از هویت حقیقی خود و از آن نیروی عظیم و توانایی‌هایی که در اختیار دارد، غافل بماند. این یکی از نقشه‌های دشمن است. پس شجاعت و رشادت و آگاهی از توانایی‌های خود و اقتداری که به خاطر ایمان در این ملت وجود دارد هم، یکی از شرایط رقم زدن آن آینده است. اتحاد کلمه نیز همین‌طور. همه با هم متحد باشند». (بیانات معظم له در دیدار گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱)

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله به نکاتی دست یافتیم که به اختصار بیان می‌شود:

- ♦ فقه در لسان آیات و روایات مفهومی گسترده دارد که عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد، ولی به تدریج، در اصطلاح علما، به‌ویژه در اصطلاح فقها، تنها به «فقه‌الحکام»

اختصاص یافته است.

❖ در پاسخ به سؤال اصلی و تبیین مبانی فقهی جهاد ترکیبی موارد ذیل بیان گردید:

➤ مراد از مبانی فقهی گزاره‌هایی است که پایه و اساس بحث باشند و پرده از چگونگی اعمال قواعد فقهی بردارند.

➤ مبانی که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته‌اند عبارت است از: وجوب نفی سبیل، وجوب جهاد و وجوب حفظ نظام.

➤ مراد از نفی سبیل این است که در اسلام، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد تشریع نشده است و در نفی سبیل، تفاوتی بین نفوذ و سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیست. مجاهد فی سبیل‌الله بر مبنای نفی سبیل بر این باور است: در دین اسلام، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد تشریع نشده است و در نفی سبیل، تفاوتی بین نفوذ و سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیست. پس، برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن چاره‌ای جز جهاد ترکیبی و مقابله با نفوذ و سلطه دشمن از هر جهت نیست.

➤ بنابر مبنای وجوب جهاد، جهاد دفاعی از مسلمانانی که فریاد مظلومیت آن‌ها بلند است بر همگان واجب است. مجاهد فی سبیل‌الله بر مبنای وجوب جهاد بر خود فرض می‌داند که از مسلمانان تحت ظلم، مثل مردم غزه، دفاع کند و در این جهاد، چنان‌که دشمن از جنگ ترکیبی بهره می‌برد، با شناخت کامل از مواضع و موقعیت دشمن، امکانات و فناوری‌ها، و راهبردها و تاکتیک‌های دشمن به جهاد ترکیبی دست بزند.

➤ وجوب حفظ نظام، هرکاری که در حفظ نظام دخیل است جایز است. براین اساس، مجاهد فی سبیل‌الله بر این باور است: جهاد ترکیبی به هر نحوی که در حفظ نظام دخیل است جایز است. برای نمونه، نفوذ و هک کردن پایگاه‌های مجازی دشمن، رصد اطلاعاتی با پهپاد، ایجاد فضای مناسب برای جنگ نرم و عملیات روانی، و جاسوسی از امکانات و تجهیزات دشمن جزء راهبردهای جهاد ترکیبی قرار می‌گیرد.

➤ بنابر مبنای وجوب حفظ نظام، اصولی چون جواز تجسس، جوار ورود به حریم



خصوصی و جواز غیبت در حفظ نظام بررسی شده است.

➤ مجاهد فی سبیل الله، بنابر مصلحت حفظ نظام اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را در حد ضرورت و طبق دستور می یابد اما هرگز فراموش نمی کند که در این زمینه، افراط و حریم شکنی نکند، به اموال و ناموس دیگران دست درازی ننماید و نیت خویش را در این اقدام خالص نماید. این مورد یکی از مصادیق اقدامات امنیتی است که می تواند یکی از وجوه و ابعاد جهاد ترکیبی تلقی گردد.

➤ مجاهد فی سبیل الله، در صورت کسب اطلاع خاصی درباره دشمن نفوذی یا نیروی خودی فریب خورده مراتب را به صورت گزارش کامل و صادقانه به سلسله مراتب فرماندهی ارائه می کند. و این جواز غیبت به سبب مصلحت بالاتر و به حکم ثانوی و برای حفظ نظام اهمیت می یابد.

در پاسخ به شاخص های جنگ ترکیبی موارد زیر احصا شد:

۱. جنگی پیچیده و دانش بنیان؛
۲. به کارگیری هوشمندان و یکپارچه همه مؤلفه های قدرت؛
۳. استفاده از ابزارهای تهاجمی متعارف و غیرمتعارف؛
۴. بهره گیری از توان شناختی به صورت هم افزا و هم زمان؛
۵. استفاده از تمام موارد فوق در ابعاد مختلف حکمرانی؛
۶. هدف گذاری، شکستن مقاومت و تسلیم حریف است.

در پاسخ به مؤلفه های جهاد ترکیبی نتایج زیر به دست آمد:

۱. جهادی همه جانبه براساس مبانی و ارزش های دینی است که در بخش مبانی فقهی به گوشه ای از آن ها اشاره شد؛
۲. این جهاد با ترکیبی هماهنگ از تمام ابزارهای نظامی، دیپلماسی، اقتصاد پویا، فناوری های پیشرفته، فضای مجازی و رسانه، و معنویت همراه است؛
۳. در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن هدف آن است تا از طریق تفوق و برتری بر دشمن، پیروزی کسب گردد.

در پاسخ به چگونگی بهره‌گیری از توانمندی‌های فرهنگی در جهاد ترکیبی این موارد به دست آمد: برای این منظور از راهبردهای امامین انقلاب استفاده شد؛ ازجمله: بهره‌گیری از مناسبت‌های دینی مانند محرم و صفر، خلق ظرفیت‌های جدید و نهفته در بسیج جهانی مسلمانان مانند روز قدس، بهره‌گیری از ظرفیت متراکم اسلام ناب محمدی صل الله علیه و آله، تأکید بر تحصیل قدرت درون‌زا و استفاده از مؤلفه‌های قدرت معند و درونی مانند ایمان و احساس مسئولیت

۵-۱. پیشنهادهای پژوهش

برخی از اصول و موارد مرتبط بااین موضوع از قرار زیر قابل بحث و بررسی بود ولی به خاطر محدودیت در حجم مقاله امکان پرداختن به آن نبود مانند: اصل عزت براساس آیه ۸ سوره منافقون و اصل تحصیل و تجمیع قدرت برای بازدارندگی براساس آیه ۶۰ سوره انفال که ارتقا مجموعه توانمندی‌ها مطالبه شده است. در این مورد مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای می‌فرماید: «حالا این قوّت در وهله اوّل، در نگاه اوّل، ممکن است قوّت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه قوّت نظامی است. ابعاد قوّت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوّت اقتصادی، قوّت علمی، قوّت فرهنگی، قوّت سیاسی - که زمینه‌ساز قوّت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوّت تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و مکتب به وجود می‌آید.» (مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۱/۳)

موارد دیگر مانند اقدامات ویژه شامل حذف فیزیکی دشمن، تخریب مادی مانند ساختمان و درختان، جنگ روانی، گروگان‌گیری، اشاعه اطلاعات جعلی و.... نیز در جهاد ترکیبی قابل بحث است که با توجه به محدودیت حجم مقاله از پرداختن بدان صرف‌نظر گردید. پیشنهاد می‌شود محققان به این مباحث بپردازند.



فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ ق). *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). *معجم مقانیس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قیم الجوزی، شمس الدین عبدالله محمد بن ابی بکر (۱۹۸۳). *احکام اهل الذمه*، تصحیح صبحی صالح، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹). «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۵۸.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶). *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق). *کتاب مکاسب*، قم: باقری.
- ایروانی، محمد باقر (۱۳۸۷). *الحلقه الثالثه فی اسلوبه الثانی*، ج ۳، قم: فقه.
- بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ موسوی (۱۴۱۹). *القواعد الفقهیه* [۷ جلدی]، قم: الهادی.
- بیهقی، احمد بن الحسین بن علی (۱۴۰۳ ق). *سنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). *الصحاح* (تاج اللغة و صحاح العربیه)، بیروت: دارالعلم.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (بی تا). *قرب الاسناد*، تهران: کتابخانه نینوا.
- الخوری الشرتونی، سعدی (۱۸۸۹ م). *اقرب الموارد*، بیروت: بی نا.
- دعموش عاملی، علی (۱۳۸۲). *دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی*، ترجمه غلامحسین قاری مهباری، رضا گرمابدری، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- سیمایی صراف، حسین (۱۳۷۹). «بررسی قاعده نفی سبیل و بعضی از نمودهای آن در فقه و حقوق»، ماهنامه دادرسی، س ۴، ش ۲۰.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، ج ۲، قم: فرهنگ اسلامی.

- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۳). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، تهران، بنیاد معارف اسلامی.
- العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۳۹۰ ق). *كشف الریبه*، ج ۳، بی‌جا: دارالمرتضوی للنشر.
- العاملی، حسن بن زین‌الدین (بی‌تا)، *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*، بی‌جا، مؤسسه الفقه للطباعة والنشر.
- عزیزان، مهدی و دیگران (۱۳۹۳). *امنیت در قرآن و سنت*، قم: زمزم هدایت.
- فاروقی تهانوی، محمدعلی (۱۹۶۷). *كشف اصطلاحات الفنون*، [افست] تهران، خیام.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶). *القواعد الفقهیه*، قم، مؤسسه الکلام.
- فیاض، محمداسحق (۱۴۱۹ ق). *محاضرات فی اصول الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر*، قم، مؤسسه دارالهجره.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). *القاموس المحیط*، بیروت: دارالعلم.
- القرضاوی، یوسف (۱۴۳۱ ق). *فقه الجهاد دراسة مقارنة لاحكامه و فلسفته فی ضوء القرآن و السنه*، قاهره: وهبه.
- کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر (۱۳۸۸). *كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، قم: بوستان کتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کهنوند، حامد (۱۳۹۵). «*تحلیل فقهی - حقوقی مسئولیت نقض حق حریم خصوصی*»، ویژه‌نامه همایش اطلاعات و مردم اطلاعاتی، تهران: دانشگاه افسری و پاسداری امام حسین (علیه‌السلام).
- مامقانی، عبدالله (۱۳۸۲). *مناهج المتقین فی الفقه ائمه الحق و الیقین*، نجف: بی‌نا.
- مجلس‌الاعلیٰ للقاهره (۱۳۸۶ ق). *موسوعة جمال عبدالناصر فی الفقه الاسلامی*، قاهره: مجلس‌الاعلیٰ للشئون الاسلامیه.



مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محقق، محمدباقر (۱۳۶۴). *دائرة الفوائد در فرهنگ قرآن*، تهران: بعثت.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، نرم افزار مجموعه آثار، قم: علوم کامپیوتری نور.

موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، نرم افزار صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).

موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۸۶). *تحریر الوسیله* (ترجمه)، چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*، تصحیح عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

الواقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ ق). *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، چ ۳، بیروت: مؤسسه الأعلمی